

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۷ مارچ ۲۰۲۱

صلح دوستی «پاپ» در ممالک اشغالی، همدستی با اشغالگران است

در مورد سفر «فرانسیس پاپ» کاتولیک‌ها به عراق و ملاقاتش به «آیت‌الله سیستانی»، مرجع تقلید شیعیان جهان بسیار تبلیغ می‌شود و تلاش می‌گردد که این دیدار را امری صرفاً مذهبی و ناشی از انسان‌دوستی و تفاهم ادیان به مردم جهان وانمود کنند.

از نظر دینی مسیحیان عراق، سوریه، ایران و منطقه از مسیحیان شرقی و کلدانی هستند که وجودشان برای مسیحیان غربی، که شامل سه شاخه بزرگ «کاتولیک‌ها»، «پروتستان‌ها» و «ارتدوکس‌ها» می‌شود، ارزشی ندارد. محتملاً همین آقای «پاپ» در دربار واتیکان تا همین چند وقت پیش خبر نداشته است که ما مسیحیان «ایزدی» نیز در عراق داریم. مانند همیشه دین ابزاری شده است تا پرده بر ماهیت سفر سیاسی آقای «پاپ» به عراق بیفکند. آن هم در زمانی که «جو بایدن» در امریکا بر سر کار آمده و پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه سبز بغداد هدف راکت‌های مبارزان عراقی قرار گرفته است و امریکا نیاز به آرامش در عراق دارد.

بعد از اشغال عراق گله گله مسیحیان انجیلی (اوآنجلیسیم) با هواپیماهای نظامی از امریکا به بغداد می‌آمدند تا به تبلیغ مذهب مسیحی امریکائی بپردازند. همه سازمان‌های کمک رسانی و اجتماعی از همین جاسوسان مسیحی تشکیل شده بودند، تا کار اشغالگران امریکائی را تسهیل کنند. امریکا در آن زمان جنگ مذاهب و برخورد فرهنگ‌ها را راه انداخته بود و حتی مورد حمایت ایرانیان خود فروخته بود که در ماهیت امپریالیستی امریکا تردید داشته و این مفهوم عملی را از فرهنگ سیاسی خود زدوده بودند. آقای «پاپ» به یک کشور اشغالی گام می‌گذارد، ولی کوچک‌ترین سخنی در مورد اشغالگران و همدستان «مسیحی» آنان، که تا به امروز از مسلمانان عراقی قتل‌عام می‌کنند، بر زبان نمی‌آورد، به عکس بیان می‌کند که «اگر انسان‌ها یاد بگیرند فراتر از اختلاف‌ها به یک دیگر نگاه کنند و همدیگر را به‌عنوان اعضای یک خانواده انسانی ببینند، می‌توان یک روند مؤثر بازسازی را آغاز کرد و جهانی بهتر، عادلانه‌تر و انسانی‌تر را به نسل‌های آینده سپرد». موعظه‌های «پاپ» چندان‌آور است.

فراموش نکنیم که کشتار مسیحیان به دست داعش بخشی از کشتاری بود که داعش به ضد مسلمانان غیر امریکائی می‌کرد. خشونت داعش خشونت دینی نبود، خشونت سیاسی بود و مخارجش را امریکا و اروپای مسیحی با عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و ترکیه مسلمان می‌پرداختند و می‌پردازند. امروز نیز همان داعش مورد حمایت

«مسیحیان» را ترکیه به لیبیا، آذربایجان و عنقریب در همدستی جدید و ضد ایرانی با عربستان سعودی به یمن به ضد مردم یمن می‌فرستد. در قبل از تجاوز به عراق، داعشی وجود نداشت تا مسیحیان کلدانی عراق را قتل‌عام کند. «طارق عزیز»، وزیر امور خارجه عراق در زمان صدام حسین، از خانواده قوم آشوری کلدانی و از مسیحیان کلدانی و از رهبران برجسته حزب بعث عراق بود. عراقیان را به مسیحی‌کشی متهم‌کردن و یا ایرانیان را با موزیگری و القاءگری به یهودی‌کشی و مسیحی‌کشی متهم‌کردن و موعظه‌کردن که «اگر انسان‌ها یاد بگیرند فراتر از اختلاف‌ها به یکدیگر نگاه کنند و همدیگر را به عنوان اعضای یک خانواده انسانی ببینند، می‌توان یک روند مؤثر بازسازی را آغاز کرد و جهانی بهتر، عادلانه‌تر و انسانی‌تر را به نسل‌های آینده سپرد»، با این هدف صورت می‌گیرد که اشغال عراق توسط امپریالیسم و متحدانش را تأیید و حداقل پرده‌پوشی کنند. این سخنان جای علت و معلول را تغییر می‌دهد و تشنجات داخلی عراق را به گردن بی‌صبری، فقدان نرمش، نامداری و تحمل مردم عراق می‌اندازد و نه میان ستمگر و ستمکش. در عراق جنگ میان سنی و شیعه و یا اسلام و مسیحیت نیست. جنگ میان اشغال‌گر و اشغال شده است. مردم عراق برای آزادی ملی خود مبارزه می‌کنند و سفارت امریکا را به گلوله می‌بندند. البته در عراق تروریست هم وجود دارد. نام این تروریست‌ها سربازان امریکائی، متحدان اروپائی و همدستان داعشی آنها با پول عربستان سعودی هستند. آنها می‌خواهند جهت اصلی مبارزه مردم عراق را منحرف کنند به جنگ با ایران بکشانند.

همه نوکران ایرانی امریکا از نفوذ و دخالت ایران در عراق حرف می‌زنند و آن را بزرگنمایی می‌کنند تا اشغال عراق توسط امریکا را پرده‌پوشی کنند، زیرا آرزوی چنین وضعی را برای ایران دارند. یکی از دلایل مسافرت آقای «پاپ فرانسیس» به عراق تأکید این امر تبلیغاتی است که «آیت‌الله سیستانی» مرجع تقلید شیعیان جهان است و نه خامنه‌ای، امری که خود آقای خامنه‌ای نیز منکر آن نشده است. معلوم نیست که این دلسوزی دربار و اتیکان میان هواداران ولایت فقیه و مخالفان آن از چه موقع پیدا شده است؟ در زمان شاه منفور نیز وقتی مردم ایران «آیت‌الله خمینی» را بعد از قیام ۱۵ خرداد [جوزا] رهبر شیعیان جهان می‌نامیدند، شاه به «آیت‌الله حکیم» در نجف بعد از درگذشت «آیت‌الله بروجردی» تبریک می‌گفت تا جناح‌های محافظه‌کار مذهبی را تقویت کند. بازی با اسلحه مذهب و با چشمی به نجف نگریستن، بازی جدیدی نیست. «جو بایدن» هم در سیاست‌های جدید خاورمیانه خویش در برخورد به ایران بر روی اختلافات مذهبی و منحرف‌کردن مبارزات مردم و ایجاد تفرقه میان شیعیان، شیعیان و سنی‌ها و تحریک مسیحیان علیه آنها سرمایه‌گذاری کرده است.

«پاپ» در عراق با قلب و اقیعت: «از جوانان مسلمانی که «پس از حمله تروریسم به مناطق شمالی این کشور عزیز» به مسیحیان برای تعمیر کلیساهایشان کمک کردند، قدرانی کرد». ولی «پاپ» نمی‌گوید نام این «جوانان گمنام مسلمان» «حشدالشعبی» بوده که «سردار قاسم سلیمانی»، که به دست تروریست مشهوری به نام «دونالد ترمپ» به قتل رسید، آنها را در همکاری و با فتوای «آیت‌الله سیستانی» برای مبارزه با داعش سازماندهی کرده بود تا جان مسیحیان و کردها را در کردستان نجات دهند. ولی «رئیس عادل» مسئول کلیساهای موصل این «خطای» «پاپ» را تصحیح کرد و اظهار داشت نیروهای «حشدالشعبی» نقش بزرگی در آزادسازی مناطق مسیحی‌نشین عراق ایفاء کردند.

وی همچنین افزود: «این نیروها به بازسازی کلیساهای ویران شده در جریان لشکرکشی داعش به عراق بسیار کمک کردند» و ادامه داد: «ما اقدامات و موضع‌گیری‌های فرماندهان حشدالشعبی در روزهای نبرد با داعش و پذیرائی آنها را از خانواده‌های مسیحی در این کشور فراموش نمی‌کنیم ... اقدامات نیروهای حشدالشعبی در یاری رساندن به مسیحیان عراق در صفحات تاریخ این کشور ثبت خواهد شد». حال این سخنان شهود زنده را با سخنان رهبر مسیحیان جهان مقایسه کنید تا ببینید با چه سیاستی سخنان خود را در ترازو گذارده، وزن کرده و بیان می‌کند. ولی مردم عراق با

تصاویر «ابومهدی المهندس»، نایب رئیس حشدالشعبی عراق و همکار «قاسم سلیمانی» به استقبال «پاپ» آمدند تا تصور نکند با مشتی انسان‌های بی‌خبر روبه‌رو است که فریب موعظه‌های وی را خواهند خورد.

«پاپ» مردم عراق را، که قربانی تجاوز امپریالیسم و داعشیسم عربستان سعودی هستند، دعوت می‌کند از «خشونت» دست بردارند و «برادرانه» با هم زندگی کنند. مگر امکان دارد ظالم و مظلوم، قاتل و قربانی برادرانه با هم زندگی کنند. صلی که «پاپ» در عراق تبلیغ می‌کند، صلح اشغالگران، صلح صهیونیستی و زبان آنهاست. آقای «پاپ» به همزیستی برادرانه نیز اعتقاد ندارد و آن را عوامفریبانه بر لب می‌آورد. منظور ایشان این است که مردم عراق حقیرانه تسلط امریکا و اشغال این سرزمین و حضور غیرقانونی آنها را در عراق بپذیرند و به سخنان «برادر بزرگتر» گوش فرا دهند.

البته صلح امری بسیار متعالی است و همه مردم جهان بر روی کره زمین باید در صلح و آرامش زندگی کنند. ولی چه می‌شود کرد که پهلپادهای امریکائی به ترور مشغول‌اند و تروریسم حتی از نوع دولتی آن را همه جا رواج داده‌اند. فلسطین را اشغال نموده‌اند، داعش را به سوریه و عراق می‌فرستند، یمن را به خون کشیده‌اند، جریان‌های تروریستی نظیر مجاهدین خلق را تقویت می‌کنند و بر حسب مصالح، آنها را تروریست خوانده و یا «ارتش آزادیبخش» نامگذاری می‌کنند و از صلح سخن می‌رانند. به فلسطینان توصیه می‌کنند راه قهرآمیز انقلاب و آزادی را در پیش نگیرند، و در عین حال در مقابل اشغال سرزمین‌شان و توسعه آبادی نشین‌های یهودی و توسعه مرزهای «بیکران» اسرائیل سکوت اختیار کنند، مدارا نمایند و صلح و آرامش منطقه را برهم نزنند! صلح امریکائی خوب است ولی تا هنگامی که مقاصد غرب را تأمین می‌کند. امریکا و «پاپ» از صلح دم می‌زنند و از آن سوءاستفاده می‌کنند تا کشورها را در اشغال خود نگهدارند و یا اشغال آنها را توجیه نمایند و در عراق، لیبیا و افغانستان اقامت گزینند و به مثابه ابزاری برای تسلط بر انسان‌ها و به اسارت گرفتن آنها جهت غارت ثروت‌هایشان بهره‌جویند. به عنوان مثال این امپریالیسم است که دست به سرکوب مردم می‌زند، از مستبدان دفاع می‌کند و حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ممالک را لگدمال می‌نماید. این امپریالیسم است که در سوریه اشغالی باعث کشتار و قتل‌عام مسیحیان شده است و نفت مردم سوریه را رهازنانه به غارت می‌برد، ولی از نگاه «پاپ» و تبلیغات امپریالیست‌ها این مسلمانان هستند که یک دیگر را می‌کشند و از صبر بی‌بهره‌اند، تحمل ندارند، از نرمش بری هستند و باید برای صلح تلاش کنند! از نظر آنها مسلمانان عامل تشنج در منطقه هستند و نه نیروهائی که از بیرون به منطقه آمده و خود را صاحب خانه تصور می‌کنند. براساس چنین دیدگاه یکجانبه‌ای از نظر «پاپ» مهم نیست که صهیونیست‌ها سرزمین فلسطین را اشغال کرده‌اند و همچنان به جنایات‌شان ادامه می‌دهند، بلکه این فلسطینیان هستند که باید تمام بار صلح را به دوش بکشند، از منافع خود چشم‌پوشی کنند و همچنان سرزمین‌شان تحت اشغال باشد، آواره باشند و همچنان کشته شوند. آنها تنها وظیفه دارند در مقابل تجاوزات صهیونیست‌ها صبر و تحمل داشته باشند. «پاپ» معتقد است ادیان ابراهیمی مانند یهودیان و مسلمانان باید در منطقه در صلح زندگی کنند. منظور او از یهودیان نیز صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین هستند. صلح «پاپ» صلح با غارتگر، تجاوزکار و دشمنان بشریت است.

پس پیام «پاپ» برای سفر به عراق روشن است. توجیه اشغال، تأیید تروریسم، تحریف تاریخ، تلاش برای تفرقه‌افکنی میان مسلمانان و به ویژه شیعیان و حمایت از نیروهای ارتجاعی و همدست امریکا در منطقه است.

از این گذشته امریکا تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا از دولت «الکاظمی»، که تمایل بیشتری از حکومت قبلی عراق به امریکا دارد و امید غرب محسوب می‌شود و با عربستان سعودی مماشات می‌کند، تجلیل نماید، محبوبیت وی

را افزایش دهد و دیدار «پاپ» را در کنار سفرهای «الکاظمی» به امریکا در کارنامه «مثبت» این حضرت آقا وارد کند.

مطبوعات منتقد ایران بدرستی در مورد این مانور اخیر امریکا در منطقه نوشتند: «ابزارهای ایجاد سلطه غرب با عراق از جهات نظامی، سیاسی و اقتصادی به خطر افتاده است. یکی از اصلی‌ترین موارد آن سلطه اقتصادی غرب است. امریکا بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت در سال ۲۰۰۳ وظیفه نظارت بر درآمدهای نفتی عراق را برعهده دارد. بانک مرکزی عراق همانند بسیاری از کشورهای دیگر دارای حسابی در فدرال رزور امریکا است، اما تفاوت این حساب با حساب‌های دیگر، تسلط کاخ سفید بر آن است. واشنگتن در صورتی این پول را در اختیار عراق قرار می‌دهد، که بتواند آن را ردیابی کند. به همین دلیل بخش بزرگی از ساختمان بانک مرکزی عراق در بغداد تحت اختیار امریکا قرار دارد و تمامی بانک‌های این کشور از دستورات نهائی واشنگتن پیروی می‌کنند. بغداد باید ثابت کند که پول نفت خود را در امور ادعائی تروریستی هزینه نمی‌کند و یا آن را در اختیار گروه‌هائی، که واشنگتن مدعی تروریستی بودن آنهاست، نمی‌گذارد. در ماه اکتوبر ۲۰۱۹ «عادل عبدالمهدی» در سفر به چین قراردادی با این کشور امضاء کرد که در صورت اجراء می‌توانست پایه‌ای برای به نبرد فراخواندن تسلط اقتصادی امریکا بر عراق باشد. طبق این قرارداد عراق به چین نفت عرضه می‌کرد و در مقابل بیجینگ بدون جابه‌جائی پول با شرکت‌های چینی فعال در حوزه بازسازی عراق تسویه انجام می‌داد. در این روش وابستگی عراق به شبکه بانکی تحت کنترل امریکا کاهش می‌یافت. بر همین اساس واشنگتن با راهاندازی اعتراضاتی در همین ماه باعث سرنگونی دولت نخست‌وزیر سابق عراق شد».

«الکاظمی»، نماینده کسانی است که با استقلال عراق مخالفاند و پائی در واشنگتن و چشمی به ریاض دارند.

این آن واقعیتی است که در عراق می‌گذرد و موجب تشدید مبارزه مردم عراق به ضد اشغالگران شده است و «پاپ» به عنوان اداره آتش‌نشانی جهانی برای اطفاء حریق مبارزه مردم به عراق اعزام شده تا خانه حضرت «ابراهیم» را زیارت کند؟!؟

در خاتمه دیدار دو رهبر دینی در جهان به نظر می‌رسد که «پاپ» نتوانسته است شکست مقاصد سفرش را ببوشاند و به مقاصد شومش جامه عمل ببوشاند. از بیانیه دفتر «آیت‌الله سیستانی»، که طبیعتاً مرجع تقلید شیعیان جهان است، چنین برمی‌آید که «آیت‌الله سیستانی» در مورد بی‌عدالتی، ستم، فقر، آزار و اذیت‌های مذهبی و فکری، سرکوب آزادی‌های اساسی و فقدان عدالت اجتماعی در کشورهای مختلف صحبت کرده و به درد و رنجی که مردم به‌ویژه در منطقه خاورمیانه با آن به‌خاطر وجود جنگ‌ها، اعمال خشونت، محاصره اقتصادی و آوارگی، دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اشاره داشته است. ایشان به رنج‌های ملت فلسطین که تحت‌تسلط اشغالگران صهیونیست قرار دارند، به عنوان نمونه برجسته مشکلات منطقه و جهان اشاره کرده است.

«آیت‌الله سیستانی» همچنین با اشاره بر نقش رهبران بزرگ مذهبی و معنوی جهان و از جمله شخص آقای «پاپ»؛ بر وظیفه آنها برای ترغیب قدرت‌های بزرگ (بخوانید امریکا، اروپا و اسرائیل- توفان) در جلوگیری از فشار به دیگران تأکید کرد. تأکید ایشان بر محاصره اقتصادی (بخوانید تحریم ایران، سوریه، یمن و فلسطین - توفان) مردم منطقه، که عملاً امریکا درحال اجرای آن است، اشاره به تحت ظلم و ستم قراردادن مردم فلسطین به خاطر اشغالگری صهیونیست‌ها و همچنین کنایه در لفافه وی به «پاپ» در قالب تذکر به علمای دینی برای تلاش در جهت جلوگیری از ظلم قدرت‌های بزرگ، نشان می‌دهد «آیت‌الله سیستانی» با شناخت هدف سفر «پاپ» به عراق تلاش کرد تا حد توان و اعتقاد وی، که دین نباید در حکومت شرکت کند، مانع از حصول نتایج فرضی این سفر به نفع غرب شود. مسلماً این هجوم جدید تبلیغاتی «جو بایدن» هم به نتیجه نخواهد رسید. باید به محاصره ایران و تحریم کشور ما پایان داد. این

وظیفه خلق ایران است تا با رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی تسویه حساب کند و نه قدرت اشغالگر خارجی. باید سرزمین‌های فلسطین آزاد شوند و داعش و حامیانش از منطق برچیده شوند، باید دولت‌های مقتدر از تروریسم دولتی و دخالت در امور داخلی سایر ممالک دست بردارند و به ملت‌ها و انسان‌ها احترام بگذارند و حقوق بشر را مراعات کنند. امریکا با خروج از عراق و دادن خسارت به این ملت و اسرائیل با خروج از فلسطین می‌توانند صلح به منطقه آورده و برادری خود را، که ظاهراً خواست «پاپ فرانسیس» نیز هست ثابت کنند. منطقه خاورمیانه و عراق همسایه ما مسلماً آزاد خواهند شد و استقلال خویش را علی‌رغم خیانت نوکران امپریالیسم و رویزیونیست‌های عراقی به دست خواهند آورد. همه نیروهای خارجی باید خاک عراق را ترک کنند و تمامیت ارضی، وحدت و حق حاکمیت این کشور را به رسمیت بشناسند. این آرزوی حزب کار ایران نیز هست. شکست سفر «پاپ» به عراق و تودهنی که ظاهراً بسیار مؤدبانه خورده است، از دید امپریالیسم و صهیونیسم نیز پنهان نمی‌ماند و باید حیل‌های جدیدی ابداع نمایند.

برگرفته از توفان شماره ۲۵۳ فروردین ماه [حمل] ۱۴۰۰ مارچ ۲۰۲۱
ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)